پرورش دوشیزگان

امیر الکتاب کردستانی

دختری بود بخوبی چون ماه\* خفته صد عاشق زارش در راه‏ روی او آب رخ گل برده\* موی او تاب ز سنبل برده‏ لب او داروی درد بیمار\* سر و پا در گل از آن خوش‏رفتار از قضا بود در آن شهر شهی\* که یکی روز بدیدش برهی‏ دل بدو داد و عنان بازکشید\* گفت کای آنکه چو تو دیده ندید خواهی ارزآنکه شوی همسر من\* مینهم در کف پایت سر و تن‏ پاسخش داد چنین پس دختر\* که مرا بود پدر هم مادر همچو درزاده زهر عیبی پاک\* دور ز آلودگی گوهر خاک‏ چونکه من پای نهادم بجهان\* پروراندند مرا از دل و جان‏ آب و نان بود مرا شیر و شکر\* شستیم دایه بهر شام و سحر تندرستی چو مرا حاصل شد\* هم توانائی من کامل شد لا جرم از پی تعلیم شدم\* وز هنر شهرهء اقلیم شدم‏ برنشینم چو بر اسب تازی\* یا کنم روی بچوکان بازی‏ بوسد از فخر رکابم بهرام‏1\* کز هنر یافته‏ام بهره و کام‏ پرورش‏یافتهء از تو چو من\* وز هنر داده گر آرایش تن‏ من بهمخوابگیت گردم یار\* ورنه از دیدن تو دارم عار این سخن چونکه شنید از وی شاه\* کشت از بی‏خبریها آگاه‏ که خردمند فرو نارد سر\* بکسی جز که بود ز اهل هنر

\*\*\* خوانندکان محترم را توصیه میکنیم که اشعار فوق را که اثر طبع ادیب دانشمند آقای حاج امیر الکتاب کردستانی و متضمن مضامین بلند و نکات اخلاقی میباشد بدقت مطالعه نمایند\*(تقدم)\*

(1)بهرام یکی ستارهء مریخ که رب النوع جنگجویان است دیگری بهرام گور که در سواری و فروسیت و تیراندازی معروف است